



ما با بررسی تاریخ به این گزاره می‌رسیم که این فرم از عزاداری و برگزاری مراسم سوگواری امری زنانه است، اما در چند سال اخیر ما شاهد نوعی از انفعال خانم‌ها در هیات هستیم. بعد از آنکه هیات خانگی کمتر شد، عزاداری‌ها منحصر به هیات اجتماعی و بزرگ‌تر شدند. حالا دیگر عزاداری خانم‌ها هم ذیل عزاداری مردانه تعریف می‌شود. این اتفاق چه آسیب‌هایی می‌تواند در بر داشته باشد؟

اینکه بخواهیم بررسی کنیم عزاداری امری زنانه است یا نه، نیازمند کار پژوهشی در حوزه تاریخ است اما به نظر من خیلی مساله جنسیت در آیین و مناسک موضوعیت ندارد. چیزی که در فرم عزاداری مدنظر است اینکه فارغ از زنانه یا مردانه بودنش، اتمه چهارچوبی را در قالب نصایح و توصیه مشخص می‌کردند. مثلا در روز عاشورا می‌بینیم که امام به خانم‌ها توصیه می‌کنند که صورت نخرانند یا در عزاداری افراط نکنند. با این وجود بنده مخالف تعریف عزاداری زنانه با مدل مردانه هستم. فارغ از اینکه عزاداری امری زنانه است یا مردانه، ما باید به این موضوع که زنان باید فرم عزاداری و محتوای زنانه داشته باشند توجه داشته باشیم. من خودم مدتی در هیات مسئولیت داشتم. به آسیب‌هایی در مدل هیات‌داری و عزاداری برخوردیم یووم. مثلا خانم‌ها برای برگزاری هیات یا مدل عزاداری و سبک سینه‌زنی، از مردها تقلید می‌کنند. البته بخشی از این آسیب‌ها هم به دلیل رسانه است. اینکه کلیپ‌های رسانه‌ای منتشرشده از عزاداری و سینه‌زنی، معطوف به مدل مردانه عزاداری است و خانم‌ها از این الگو کپی‌برداری می‌کنند. این مردواره شدن رفتار خانم‌ها یکی از آسیب‌های هیات اجتماعی است. شاید در حرم حضرت معصومه یا حرم امام رضا(ع) خانم‌های عرب را مشاهده کرده باشید که سبک خاصی از سینه‌زنی و عزاداری را دارند، یا خانم‌های پاکستانی هم به همین صورت هستند، یا خانم‌های جنوبی. ما در خانم‌های ایرانی این سبک را نمی‌بینیم که سبکی از عزاداری داشته باشند. این در حالی است که ما در تاریخ‌مان عزاداری زنانه داشتیم. یعنی در گذشته خانم‌ها خودشان برای احیای روضه‌ها تلاش می‌کردند و در دوره پیش از انقلاب هم می‌بینیم که روضه‌های خانگی و مجالس زنانه با محتوای زنانه خیلی فراگیر بوده.

با توجه به اینکه شما در حوزه تاریخ معاصر پژوهش دارید، سابقه مجالس زنانه و هیات خانگی در زمان پیش از انقلاب به چه صورت بوده؟

با توجه به پژوهش‌هایی که من در تاریخ معاصر دارم، کنشگری

خانم‌ها برای احیای روضه‌های خانگی در دوره رضاشاه را می‌توان مثال زد. ما در دوره رضاشاه که روضه ممنوع است می‌بینیم خانم‌ها با سبک خاصی، این روضه‌ها را نگه می‌دارند. مقاومت می‌کنند. در خانه‌هایشان به صورت مخفی، صبح زود مراسم می‌گرفتند یا به دلیل کشف حجاب از طریق پشت‌بام خانه‌ها که به یکدیگر وصل بوده، به روضه می‌رفتند. یعنی در حالت مخفی بوده، چراغ خاموش می‌رفتند. اینکه در آن حالت هم خانم‌ها مقاومت اجتماعی داشتند و این روضه‌ها را حفظ کردند، قابل توجه است. بعد از انقلاب درست است که مدل کپی‌برداری را در روضه‌ها داریم اما در سال‌های اخیر چون فرهیختگی خانم‌ها افزایش پیدا کرده، به سبک‌های خاصی از روضه‌های خانگی می‌رسیم؛ هرچند تعدد و تکثر و اهمیت روضه‌ها کم شد؛ چراکه قبلا در همه خانه‌ها این علاقه‌مندی بود که روضه خانگی مانند مراسم لازم و میهمانی، باید همیشه برگزار می‌شد. اما حالا این روضه‌ها به یک قشر خاصی از خانم‌ها که عموما خانه‌دار هستند محدود شده و خانم‌هایی که تحصیلکرده هستند، این نقطه مرکزی که می‌توانست چفت‌کننده و حل‌کننده مسائل اجتماعی آنها یا حل‌کننده مسائل نوجوانان باشد را ترک کردند. این خودش یک ضعف است و به نظر من باید به آن پرداخت. به‌عنوان یک وظیفه، خانمی که تحصیل کرده و کنشگر اجتماعی است باید به احیای برگزاری این مراسم اهتمام ویژه داشته باشد. به‌عنوان نمونه می‌توانم کتابی را به شما معرفی کنم به نام خانه‌ای برای همه. این کتاب روایت خانم خانه‌داری است که از دوره پهلوی و حالا که بعد انقلاب است، روضه خانگی در خانه‌شان برگزار می‌کردند. این خانم، خانم خانه‌داری است که کلی فعالیت حول همین روضه خانگی انجام می‌دهد. از کارآفرینی و کارهای فرهنگی تا تعریف کار برای نوجوانان. خود این کتاب یک الگوی کار است. اینکه روضه چه توانمندی‌هایی می‌تواند داشته باشد.

به نظر شما چه عواملی باعث کم‌رنگ شدن این مجالس زنانه و روضه‌های خانگی در دهه‌های اخیر شده است؟

اگر بخواهیم به دلیل کم‌رنگ شدن و کمتر شدن تعداد این مجالس بپردازیم باید به نکته‌ای توجه داشته باشیم؛ تغییر سبک زندگی. در زندگی‌های مدرن، شاهد نوعی تغییر سبک زندگی هستیم. خانه‌ها آپارتمانی شده و خانه‌های کوچک مانعی برای برگزاری مجالس است. البته ما در حال حاضر با نوعی جامعه غیرمنسجم مواجهیم. جامعه‌ای

اندیشه

چهارشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۲ شماره ۳۹۲۲



معصومه فاطمی، پژوهشگر مطالعات و تاریخ زنان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

زنان کنشگر اصلی در احیای عزاداری پس از محدودیت‌های رضاشاهی بودند

و فضا به سمت تبرج رفته. در حدی است که مانند یک میهمانی عروسی به خودشان و مجلس اهمیت می‌دهند. این مساله، عزاداری را از هدف اصلی خود دور می‌کند و آسیبی برای برگزاری این مراسم است.

شما از رسیدن به سبک خاصی از عزاداری در میان خانم‌ها حرف زدید، به نظر شما ما برای رسیدن به این سبک و الگو قراردادنش باید چه کارهایی انجام دهیم؟ آیا حاکمیت باید حضور پیدا کرده و این موضوع را در حوزه سیاستگذاری پیگیری کند؟

من اعتقاد دارم در بین خانم‌ها ظرفیتی برای رسیدن به یک سبک وجود دارد اما مدل آن را باید بررسی و شناسایی کنیم. در این موضوع سیاستگذاری کردن خیلی درست نیست. قابلیت ورود به عرصه سیاستگذاری را دارد اما همیشه الگوهای مردمی بهتر و کامل‌تر عمل می‌کنند. اگر بتوانیم از الگوهای مردمی و روضه‌های خانگی که خانم‌ها الان دارند، یک سری را برند کنیم و نشان دهیم، این قابلیت تکثیر پیدا خواهد کرد. به نظر من برای خانم‌ها فرهنگ‌سازی خیلی راحت‌است؛ چراکه همه‌خواهان تغییر و حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب هستند.

در تاریخ پس از عاشورا ما مدل جدیدی از عزاداری را داریم، مثلا راه‌اندازی دسته‌های عزاداری توسط زنان. اولین جماعتی که با عنوان دسته با ذکر مصیبت مسیری را طی کرد، به خواست حضرت ام‌البنین بود که در استقبال از کاروان اسرا این کار را کردند. دسته هم نوعی عزاداری زنانه بوده. اما اخیرا شاهد انحرافی از حضور زنان در دسته‌های عزاداری هستیم و چند سال اخیر هم در سطح سیاستگذاری، منوعیتی برای حضور دسته‌های عزاداری زنانه قائل شدند. به نظر شما با توجه به اثرگذاری حضور زنان و وجود دسته‌های عزاداری ما می‌توانیم این سنت را در عصر حاضر هم احیا کنیم؟

خانم‌ها می‌توانند سبک خاص خودشان را داشته باشند. اما باید تناسبات شرعی خودشان را هم داشته باشند و رعایت شود. همان اول که راجع به دسته عزاداری گفتیم من این موضوع در ذهنم آمد که در سال‌های اخیر شاهد نوعی تبرج در دسته‌های عزاداری در جمع خانم‌ها بودیم. این تناسبات شرعی باید تا حدود قابل‌قبولی اجرا شود. این پشت دسته رفتن و حرکت کردن، خودش انفعال است و نمی‌توان آن را کنش در نظر گرفت. این موضوع باید به‌نوعی کنترل و حل شود. اینکه با چه الگویی حل شود، باید به این برسیم که ما نیازمند نوعی سبک خاص در عزاداری میان زنان هستیم.

ابراهیم فیاض، استاد جامعه‌شناسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

هر چیزی برای تبدیل شدن به فرهنگ باید زنانه شود

کردند و بعضا هستند روانشناسانی که در هیات‌های خانگی شرکت و سعی می‌کنند مشکلاتی که مطرح می‌شود را حل کنند. مثلا من این دامن در مجالس زنانه‌ای که در تهران برگزار می‌شود، این اتفاق می‌افتد.

با توجه به اینکه مبانی معرفتی زنان میان ذهنیت است، (برعکس مردها که سوزه‌محور هستند)، میان ذهنیتی‌ها با گفت‌وگو رابطه خوبی دارند و گفت‌وگو می‌کنند. زنان که در مجلسی قرار می‌گیرند تمایل به گفت‌وگو و انتقال تجربه یا بیان مشکلات‌شان دارند. بسیاری از مشکلات زنان در همین هیات‌ها حل می‌شود یا تجربه‌های زیسته خود را منتقل می‌کنند. ما این پتانسیل را در هیات‌های زنانه داریم اما در هیات‌های مردانه این طور نیست.

از دیگر کارکردها و ظرفیت‌های هیات می‌توان به حل معضلات اجتماعی و روانی زنان اشاره کرد. این جلسات برای بسیاری از مشکلات اجتماعی ازجمله افسردگی‌ها و خودکشی‌ها می‌تواند راهگشا باشد، به شرطی که هیات‌های زنانه محتوای خوب برای زنان داشته باشند. این هیات‌ها راه افتاده اما باید خانگی و محلی پیگیری شود. مساجد کوچک در محله‌های بزرگ تهران که خرده‌فرهنگ هم حساب می‌شوند و درصورتی که احیا شوند کارکردهای خوبی خواهند داشت. این خرده‌فرهنگ‌ها حذف شده و چیزی در دنیای مدرن هم جای این خال را نگرفته است. حالا ما می‌توانیم هم به‌صورت مدرن و هم به‌صورت سنتی این را احیا کنیم.

برای هویت‌یابی زنان و حضور آنان در احیای آیین و مناسکی مانند عزاداری محرم ظرفیتی را باید فعال کرد؟

باید به این اشاره کنم که در برگزاری مراسم مردها خودشان می‌خواهند مردانه باشد، حتی در بعضی مراسم می‌بینیم اینکه زنان در هیات باشند را دوست ندارند. اما مشکلی که وجود دارد این است که زنان هم این را پذیرفتند و تعطیل کردند. زنان خودشان باید مطالبه کنند و فعال باشند، اگر این فعالیت‌ها خواست از جانب زنان باشد دیگر مردان نمی‌توانند مخالفتی داشته باشند. اتفاقا از اینکه زن‌ها خودشان بتوانند برای خودشان محتوای مجزا تولید کنند استقبال می‌کنند. مثلا شعر زنانه به مردها برسد و مردها این را اجرا کنند، آنها از اینکه بتوانند از ظرفیت شعر و ادبیات زنان استفاده کنند هم استقبال می‌کنند. البته با اینکه ما در چند سال اخیر شاهد نوعی انفعال در میان خانم‌ها برای احیای آیین و مناسک به شیوه زنانه هستیم، اما درحال حاضر بعد از جنبش اخیر زنان از حالت انفعال درآمدند و به حالت فعال تبدیل شدند؛ همچنین در امر اجتماعی و سیاسی فعال شدند. جنبش اخیر در این جریان تأثیر بسیاری داشته‌است اما راهکار این قضیه و فعال شدن زنان را تنها در مطالبه خودشان و استفاده از ظرفیت‌هایی که دارند می‌دانم.

تا زنان نیامدند، انقلاب نشد، در ۶ ماه آخر که زنان آمدند، انقلاب پیروز شد، درنتیجه ما الان در محرم اگر بخواهیم چیزی راه بیفتد، باید آن را زنانه کنیم، وقتی زنانه شود، اجتماعی و جریان‌ساز می‌شود. مخصوصا اگر این محتوا از جانب زنان برای خود زنان تولید شود.

مداحی مرد برای زنان خشن است، اما زنان بلدند برای خود زنان مداحی کنند. این مدل عزاداری مردانه حتی ذائقه زن‌ها را هم می‌تواند عوض کند. زنان با لطافت و ظرافت بیشتری می‌توانند برای خودشان محتوا تولید کنند. الان در قرائت دعا و قرآن این را شروع کرده‌ایم. حالا باید به عزاداری‌ها هم تعمیم دهیم. مثلا در مراسم شیرخوارگان، زنان خودشان برای زنان روضه بخوانند یا به‌طور مثال شهادت کنید در تیتراژ فیلم مختارنامه زنی لالایی بخواند، اوج تیتراژ همین لالایی زن است. آن هم کار یک مداح زن بود، فقط یک زن می‌تواند غم و عاطفه‌ریاب مادر حضرت علی‌اصغر(ع) را شرح دهد. ما باید هیات‌های زنانه را راه بیندازیم تا عزرا در خانواده اتفاق بیفتد.

حالا اگر ما قائل به این انفعال زنان در برگزاری مراسم هستیم، می‌توانیم از محتوا و ظرفیت آنها در شعر و ادبیات بهره ببریم. شعرهای زنانه که کاملا لطافت و عاطفه با آن گره خورده باشد، اگر مردها هم بخوانند خیلی بهتر است، یعنی ما باید ادبیات زنانه داشته باشیم. زنان باید در ادبیات و تولید محتوا مشارکت داشته باشند. البته لالایی برای علی‌اصغر را اگر مرد بخواند به‌جایی نمی‌رسد، می‌تواند بخواند اما زن اگر بخواند خروجی متفاوتی خواهد داشت، مثلا همان لالایی زن بوشهری. ما باید سهم زنان در ادبیات را بیشتر کنیم.

احیای هیات و مناسک زنانه چه کارکردهایی در حوزه تربیتی و اجتماعی دارد؟

شما فکر کنید وقتی هیات زنانه می‌گیرید و بچه با مادرش به هیات می‌رود. مناسک و مفاهیم در کودک نهادینه می‌شود. محتوای تربیتی برای کودک و نوجوان در این مراسم وجود دارد و این یعنی اجتماعی‌سازی عزاداری و محرم توسط مادرها این همان فرهنگ‌سازی زنانه است. وقتی این اتفاق مادرانه نشود کودک و نوجوان ما با این فضا مانوس نخواهد شد. تا زمانی که مراسم مادرانه و زنانه بیشتر نشود، ما برای کودک و نوجوان مان محتوای خاصی نداریم. این جلسات حاوی مفادیر زیادی از محتوای تربیتی برای بچه‌هایی است که با مادرشان حضور پیدا می‌کنند.

در این هیات‌ها و مجالس زنانه دختران هم بروز و ظهور پیدا می‌کنند و موجب آشنایی بیشتر خانواده‌ها با هم می‌شود. این هیات‌ها موجب بیشتر شدن همبستگی اجتماعی می‌شود. در همین اجتماعات، زنان مسائل‌شان را با یکدیگر مطرح می‌کنند. روانشناس ما هم این را بررسی